

## منشاء های روز [ اول ماه ] مه چه هستند؟

روزا لوکزامبورگ

هفتم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

ایده ی فرخنده بکار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری بعنوان وسیله ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آنجا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات بعنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازماندهی کنند. روز این جشن باید ۲۱ آوریل میشد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده های پرولتاری استرالیا بخشید که بر آنان به جای گذاردن منجر به تهیج [آزیتاسیون] نوعی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت، چه می توانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان بدهد تا یک توقف کار توده ای که آنها خودشان آنرا انتخاب کرده باشند؟ چه می توانست شهامت بیشتری به بردگان ابدی کارخانه ها و کارگاه ها بدهد تا فراخواندن گردانهای خودشان؟ پس ایده جشن پرولتاری بسرعت پذیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد.

نخستین نمونه ای که بدنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آنها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز ۲۰۰۰۰۰۰ نفر از آنها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت در روز را طلب کردند. بعداً، تضییقات پلیسی و قانونی کارگران را سالها در تکرار تظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معهذاً در سال ۱۸۸۸ آنها تصمیم خود را تجدید کرده و مصمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد. در این اثناء، جنبش کارگران در اروپا قویتر و با تحرک تر شده بود. قویترین نمود این جنبش درکنگره کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در این کنگره، که چهارصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده اتحادیه های فرانسه، کارگر لاولین [۲] از بوردو، خواست که این مطالبه در تمام کشورها با یک توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده کارگران آمریکا توجه را به تصمیم رفقاییش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی پرولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعاً فقط یک بار تظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه سرزمین ها با همدیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات بکنند.

هیچکس از تکرار تعطیل برای سال های بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچکس نمیتوانست طریق برق آسایی را پیش بینی کند که با آن ایده موفق شده و چه بسرعت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد. معهذاً، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه بسادگی یک بار کافی بود، تا اینکه هرکس بفهمد و حس کند که روز اول [ماه] مه باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد... اولین [خواست اول ماه] مه پذیرش هشت ساعت در روز مطالبه کرد. ولی حتی پس از رسیدن به این

هدف، روز [اول ماه] مه از بین نخواهد رفت. تا زمانیکه مبارزه کارگر بحد بورژوازی و طبقه حاکم ادامه دارد، تا زمانیکه همه مطالبات پذیرفته نشده اند، روز [اول ماه] مه نموده سالانه این مطالبات خواهد بود. و وقتیکه روزهای بهتری سرزنند، وقتیکه طبقه کارگر جهان رستگاریش را بدست آورد- آنگاه هم بشریت احتمالاً روز [اول ماه] مه را به افتخار مبارزات تلخ و رنجهای بسیار گذشته جشن خواهد گرفت.

روزا لوکزامبورگ

۱۸۹۴

### توضیحات:

۱- متن از II , *Ausgewalte Reden und Schriften* برلین: انتشارات دیتز، ۱۹۵۱. متن اصلی در فوریه ۱۸۹۴ به لهستانی در پاریس منتشر شد. ترجمه فارسی از انگلیسی "برگزیده آثار روزا لوکزامبورگ" مانتلی رویو، نیویورک، ۱۹۷۱، می باشد.  
۲- Lavigne از Bordeaux،

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریکهای فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸.

بازنویس: یاشار آذری، شهریور ۱۳۸۲.